

جزوه حقوق مدنی 7

برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید

نمونه متن جزوه:

-نحوه دیگر تنظیم وکالت نامه های بلاعزل، سلب قابلیت رجوع ضمن عقد لازم خارج میباشد. غالب حقوقدانان بر این امر اجماع دارند.

در هر صورت با سلب قابلیت رجوع از عقد وکالت هر چند از حیث رجوع به مانند عقد لازم میشود ولی همچنان مشمول ماده 953 خواهد بود. به همین منظور برای احتیاط از آثار ماده 953 معمولاً طرفین یک قرار داد عادی بین خود تنظیم میکنند. در این صورت اگر یکی از طرفین فوت کرد و یا محجور شد، قرارداد تنظیم شده مثبت حق طرفین خواهد بود.

تعدد وکیل

وکیل میتواند متعدد باشد. ممکن است، تعدد عرضی و یا طولی باشد. البته در وکالت دادگستری در مورد تعدد وکیل محدودیت وجود دارد و به دو وکیل محدود شده است. اگر شخصی دو نفر یا بیشتر به عنوان وکیل همزمان اختیار کند در این صورت وکالت به صورت عرضی خواهد بود. اصولاً اصل بر اجتماع در تصمیم گیری است، مگر اینکه به استقلال هر یک از آنها در تصمیم گیری تصریح شده باشد.

تعدد وکیل به صورت طولی

در صورتی که وکالت متعدد، به صورت طولی باشد. در این صورت وکیل حق انتخاب وکیل خواهد داشت (توکیل). توکیل جزء اختیاراتی است که باید برای وکیل تصریح شده باشد. یعنی اگر موکل اختیار تعیین وکیل برای وکیل نداده باشد، وکیل حق تعیین وکیل بعدی را نخواهد داشت.

در صورتی که حق توکیل به وکیل نداده شده باشد و وکیل شخصی را به عنوان وکیل توکیل کرده باشد، در صورتی که از اقدام وکیل خسارتی به موکل وارد شده باشد، هم وکیل اول و هم آن وکیل بعدی ضامن خواهد بود.

ولی اگر حق توکیل داده شده باشد و وکیل نیز حق توکیل به وکیل بعدی داده باشد، او نیز مانند وکیل اول امین محسوب خواهد شد¹.

اگر موکل وکیلی اختیار کرده باشد و وکیل نیز شخص ثالثی را به عنوان وکیل تعیین کند، در مورد اینکه وکیل آخر وکیل موکل اولی هست و یا خیر اختلاف نظر وجود دارد.

1. ماده 173 قانون مدنی: اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته، انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می شود مسئول خواهد بود.

سوالی که پیش می آید این است که، اگر یکی از واسطه ها در این رابطه از بین برود، آیا تاثیری در این رابطه طولی می گذارد یا خیر؟ و این تاثیر چگونه است؟

از لحاظ کلی این رابطه قطع می شود ولی از لحاظ تحلیلی متفاوت می باشد.

در صورت کلی قاعدهای وجود دارد، که اگر وکیل حق توکیل نداشته باشد، اشخاص بعدی وکیل موکل اول تلقی خواهد شد. ولی اگر وکیل حق توکیل نداشته باشد، به هیچ عنوان اشخاص بعدی وکیل موکل اولی تلقی نخواهند شد.

تعدد وکیل به صورت عرضی¹

در وکالت عرضی قانون گذار می گوید؛ اگر چند وکیل همزمان وکالت شخصی را داشته باشد، در صورت فوت یکی از آنها وکالت دیگر وکیلان نیز باطل خواهد شد¹.

دلیل آن نیز امتناع در تصمیم گیری است. زیرا اصل بر اجتماع تصمیم گیری است. قانون گذار در ماده مربوطه، عبارت بطلان را استفاده کرده است. در صورتی که بطلان به لحاظ فنی صحیح نمی باشد و باید از اصطلاح انفساخ استفاده می شد، زیرا عقد وکالت صحیحاً بوجود آمده و بعداً خود بخود منحل شده است.

اختیارات وکیل

اصولاً اختیارات وکیل سه دسته هستند:

1. اختیارات منطبق با قاعده اذن³: مطابق قانون مدنی اذن در شی، اذن در لوازم آن نیز هست. وقتی شخصی به وکیل اذن می دهد خانه اش را بفروشد، یعنی انجام هر آنچه که لازمه فروش است به وکیل اذن داده شده است. البته قانون گذار استثنائاتی بر این قاعده وارد نموده است. قانون مدنی می گوید وکیل در مرافعه وکیل

1. ماده 119 قانون مدنی: هر گاه برای انجام یک امر، دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچیک از آن هانمی تواند بدون دیگریا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگر این که هر یک مستقلاًوکالت داشته باشد، در این صورت هر کدام می تواند به تنهایی آن امر را به جا آورد.

1. ماده 173 قانون مدنی: در صورتی که دو نفر به نحو اجتماع، وکیل باشند به موت یکی از آن ها وکالت دیگر بیابطل می شود.

3. ماده 171 قانون مدنی: وکالت در هر امر، مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز هست مگر این که تصریح بهعدم وکالت باشد.

11

در قبض حق نخواهد بود. یعنی وکیل در اقامه دعوی، وکیل در قبض حق نیست¹. مگر اینکه در اختیار اتوکیل تصریح شده باشد. استثناء دیگر در بیع است. قانون گذار مقرر نموده که "وکالت در بیع وکالت در قبض ثمن نیست". یعنی اگر وکیل در فروش چیزی تعیین شده باشد حق قبض ثمن حاصل از فروش را نخواهد داشت¹.

1. سطح دوم اختیاراتی است که اگر تصریح شود، وکیل حق انجام آن امور را نخواهد داشت³.

3. سطح سوم شامل اختیاراتی است که هر چند در اختیارات وکیل تصریح شده باشد، حق انجام آن امور را نخواهد داشت³. مانند سوگند، ایلاء، لعان، اقرار، شهادت...

معوض بودن عقد وکالت

عقد وکالت یک عقد معوض است. به نظر دکتر کاتوزیان وکالت یک عقد بلاعوض، مجانی، غیر معوض است. در صورتی که قانون مدنی به صراحت می گوید، که اگر به با اجرت بودن و بی اجرت بودن عقد وکالت تصریح نشده باشد، اصل بر با اجرت بودن وکالت است⁵. و اگر میزان اجرت تعیین و تکلیف نشده باشد و عرف مسلمی نیز وجود نداشته باشد به اجرت المثل مراجعه می شود¹.